

تأثیر شفافیت اطلاعاتی بر رابطه اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت

نیلوفر عابدی^۱

مهدی صفری گرایلی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۵/۱/۲۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۱۲/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت و مطالعه اثر تعدیل کنندگی شفافیت اطلاعاتی بر این رابطه می‌پردازد. بدین منظور، برای سنجش اجتناب مالیاتی از دو سنجش تفاوت دفتری مالیات (BTD) و نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) و همچنین از نسبت Q توپین به عنوان سنجش ارزش شرکت استفاده گردید. فرضیه‌های تحقیق نیز با استفاده از نمونه‌ای متشکل از ۹۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ و با بهره‌گیری از مدل‌های رگرسیون چندگانه مبتنی بر تکنیک داده‌های تلفیقی مورد آزمون قرار گرفت. یافته‌های بدست آمده حاکی از آن است که اجتناب مالیاتی، سبب کاهش ارزش شرکت می‌گردد. علاوه بر این، نتایج نشان می‌دهد که شفافیت اطلاعاتی اثر منفی اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت را تعدیل می‌کند. یافته‌های تحقیق ضمن پر کردن خلاء تحقیقاتی صورت گرفته در این حوزه می‌تواند برای سرمایه‌گذاران، تدوین کنندگان قوانین مالیاتی و سایر ذینفعان اطلاعات حسابداری در امر تصمیم‌گیری راهگشا باشد.

واژه‌های کلیدی: اجتناب مالیاتی، ارزش شرکت، شفافیت اطلاعاتی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران NilooFarabedi@gmail.com

۲- استادیار گروه حسابداری، واحد بندرگز، دانشگاه آزاد اسلامی، بندرگز، ایران. (نویسنده مسئول) Mehdi.safari83@yahoo.com

۱- مقدمه

پیچیده شرکت گشته و در نهایت کاهش شفافیت اطلاعاتی و ارزش شرکت را به دنبال خواهد داشت (چن و همکاران، ۲۰۱۴). بنابراین به نظر می‌رسد که نحوه تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت مستلزم پژوهش‌های تجربی بیشتری باشد. عمده تحقیقات اخیر، همچنین ادعان دارند که شفافیت اطلاعاتی که به میزان قابلیت دسترسی استفاده کنندگان برون سازمانی به اطلاعات شرکت اطلاق می‌گردد، می‌تواند از طریق وادار ساختن مدیران به انتخاب فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهتر، مدیریت کارآتر دارایی‌ها و رعایت حقوق سهامداران، سبب بهبود عملکرد اقتصادی و ارزش شرکت گردد (بوشمن و اسمیت^۱، ۲۰۰۳). ژانگ و همکاران^۲ (۲۰۰۹) نیز شواهدی مبنی بر وجود رابطه مثبت بین شفافیت اطلاعاتی و ارزش شرکت ارائه نمودند. از این رو تحقیق حاضر به دنبال پاسخی برای این سؤال است که اولاً: اجتناب مالیاتی چه تأثیری بر ارزش شرکت دارد؟ ثانیاً: آیا شفافیت اطلاعاتی می‌تواند رابطه می‌تواند رابطه مذکور را تعدیل نماید؟ اهمیت نقش درآمدهای مالیاتی دولت در برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی و همچنین فقدان پژوهش‌های کافی، این انگیزه را در نویسندگان مقاله حاضر بوجود آورد که موضوع فوق را به عنوان یک مطالعه پژوهشی برگزینند. انتظار می‌رود نتایج این پژوهش بتواند دستاوردها و ارزش افزوده علمی به شرح زیر داشته باشد:

اول اینکه نتایج پژوهش می‌تواند موجب گسترش مبانی نظری پژوهش‌های گذشته در ارتباط با اجتناب مالیاتی شود. دوم اینکه، شواهد پژوهش نشان خواهد داد که تا چه اندازه اجتناب مالیاتی و شفافیت اطلاعاتی می‌تواند بر ارزش شرکت تأثیرگذار باشد که این موضوع می‌تواند اطلاعات سودمندی را در اختیار قانون‌گذاران حوزه بازار سرمایه، تدوین‌کنندگان استانداردهای حسابداری و سایر ذینفعان قرار دهد.

اجتناب مالیاتی به عنوان یک استراتژی مهم برای شرکت به شمار می‌رود (کای و لیو^۱، ۲۰۰۹؛ چن و همکاران^۲، ۲۰۱۴). به طور سنتی همواره چنین استدلال می‌شود که اجتناب مالیاتی سبب انتقال ثروت از دولت به شرکت‌ها شده و بدین ترتیب باعث افزایش ارزش شرکت می‌گردد. با وجود این، این موضوع هزینه‌هایی نظیر از دست دادن شهرت و یا مجازات احتمالی را نیز به شرکت تحمیل خواهد نمود. از منظر تئوری نمایندگی، فعالیت‌های اجتناب مالیاتی ارتباط زیادی با حاکمیت شرکتی دارد. چرا که ابهام در این گونه فعالیت‌ها، زمینه رفتار فرصت طلبانه مدیران را فراهم ساخته و می‌تواند منجر به کاهش ارزش شرکت گردد (دسای و دارماپالا^۳، ۲۰۰۹). در خصوص تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت، نظریه‌ها و شواهد تجربی مختلفی در ادبیات حسابداری مطرح شده است. از یک سو، مطالعات صورت گرفته پیرامون محتوای اطلاعاتی اجتناب مالیاتی حاکی از آن است که مالیات بر درآمد یکی از نشانه‌های سودآوری شرکت بوده، از این رو اجتناب مالیاتی باعث کاهش محتوای اطلاعاتی آن می‌شود (هانلون و همکاران^۴، ۲۰۰۵؛ آیرز^۵، ۲۰۰۹). به طور مشابه، دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) بر این باورند که اجتناب مالیاتی می‌تواند به صورت بالقوه دو اثر متضاد بر ارزش شرکت داشته باشد، به طوری که هم سبب انتقال ثروت از دولت به مالکان می‌شود و هم به دلیل وجود مسائل نمایندگی میان مدیران و مالکان، احتمال فرصت طلبی مدیران را افزایش داده و به کاهش ارزش شرکت می‌انجامد. وانگ^۶ (۲۰۱۰) نیز دریافت که سرمایه‌گذاران برای شرکت‌های دارای اجتناب مالیاتی، ارزش بیشتری قائل هستند. از سوی دیگر، چنین استدلال می‌شود که سیاست‌های اجتناب مالیاتی متهورانه باعث پنهان نمودن حقایق و معاملات

خود را تأمین نمایند (دسای و همکاران، ۲۰۰۷؛ چن و همکاران، ۲۰۱۴). مطالعات تجربی صورت گرفته در خصوص تأثیر اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت به شواهد متناقضی دست یافته اند. دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) دریافتند که اجتناب مالیاتی ارزش شرکت های دارای حاکمیت شرکتی قوی را افزایش می دهد. هانلون و اسلمرد^{۱۰} (۲۰۰۹) به بررسی واکنش بازار به استفاده از سپر مالیاتی بدهی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که قیمت سهام معمولاً در زمان اعلان کاهش می یابد. نتایج مطالعه وانگ (۲۰۱۰) نیز نشان داد که شرکت های با شفافیت اطلاعاتی بیشتر در مقایسه با سایر شرکت ها موضع متهورانه تری برای اجتناب مالیاتی اتخاذ می کنند. وی همچنین دریافت که سرمایه گذاران به اجتناب مالیاتی واکنش مثبتی نشان داده اما با کاهش شفافیت اطلاعاتی، ارزش شرکت نیز کاهش می یابد. از لحاظ نظری، انتظار می رود که فعالیت های اجتناب مالیاتی جریان نقدی آزاد بیشتری را برای شرکت ها مهیا ساخته که این به نوبه خود می تواند سبب افزایش ارزش شرکت گردد. از سوی دیگر، بر اساس تئوری نمایندگی چنین استدلال می شود که ماهیت پیچیده و مبهم اجتناب مالیاتی، مدیران را قادر می سازد تا از استراتژی های اجتناب مالیاتی به عنوان ابزاری برای فرصت طلبی و کسب منفعت شخصی خود استفاده نموده که در نهایت، کاهش جریان نقدی و ارزش شرکت را به دنبال خواهد داشت. ضمن آن که، اجتناب از پرداخت مالیات ممکن است هزینه هایی نظیر مجازات اداری و یا از دست رفتن شهرت را به شرکت تحمیل نماید که این موضوع نیز تأثیر منفی بر ارزش شرکت دارد. از دیگر پیامدهای نامطلوب اجتناب مالیاتی می توان به کاهش شفافیت اطلاعات مالی (بالاکریشنانو همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۱)، افزایش احتمال مدیریت سود (دسای، ۲۰۰۵؛ فرانک و همکاران^{۱۲}، ۲۰۰۹) و افزایش

سوم اینکه، نتایج پژوهش می تواند ایده های جدیدی را برای انجام پژوهش های جدید در حوزه مالیاتی پیشنهاد نماید.

۲- مبانی نظری و مروری بر پیشینه پژوهش

امروزه نقش نظام های مالیاتی در هر کشوری در تأمین درآمدها از محل منابع مالیاتی بر هیچ کس پوشیده نیست. در بعد اجتماعی، هدف اصلی وضع مالیات، کاهش فاصله تأمین طبقاتی و توزیع مجدد درآمدها است. هدف اقتصادی از وضع مالیات ها، تثبیت نوسانات اقتصادی، تخصیص بهینه تأمین منابع بین بخش های مختلف و کمک به تسریع فرآیند توسعه بخشی یا منطقه ای می باشد و هدف بودجه ای دولت ها از وضع مالیات ها نیز، تأمین مالی بودجه دولت می باشد. به دلیل نقش خاص مالیات و تأثیرات آن، موضوع مالیات، قوانین و ساز و کارهای مربوط به آن، از دیرباز مورد توجه صاحب نظران اقتصاد، مالیه عمومی، سیاسیون، تشکل ها و حتی عموم مردم قرار داشته است (مشایخی و سیدی، ۱۳۹۴). با این حال، مالیات بر درآمد از منظر شرکت ها هزینه است (ولک و همکاران^۹، ۲۰۱۳)، و شرکت ها انگیزه خواهند داشت به منظور افزایش ارزش شرکت، تا حد ممکن در هزینه های خود صرفه جویی نمایند. در این میان، اجتناب مالیاتی از جمله تدابیری است که شرکت ها برای کاهش بدهی های مالیاتی بکار می برند. از منظر کلی، اجتناب مالیاتی نوعی روش صرفه جویی مالیاتی محسوب می گردد که تنها انگیزه اقتصادی آن، صرفه جویی در پرداخت مالیات است. در مقابل، تئوری نمایندگی بیان می کند که مباحث مالیاتی به دلیل مسائل گسترده نمایندگی ارتباط نزدیکی با حاکمیت شرکتی دارد. در واقع، هدف اصلی مدیران از فعالیت های برنامه ریزی مالیاتی، پیچیده و پنهان ساختن فرآیند معاملات بوده تا بدین سان منفعت شخصی

نقدی آتی را بررسی نمودند. در این تحقیق از تفاوت دفتری مالیات به عنوان سنجه اجتناب مالیاتی استفاده شد و نتایج نشان داد که اجتناب مالیاتی سبب کاهش پایداری سود شده و بر رابطه بین سود با جریانان نقدی آتی، اثر منفی معناداری دارد. وانگ^{۱۹} (۲۰۱۰) با انتخاب نمونه ای مشتمل بر ۱۵۰۰ شرکت به بررسی ارتباط بین شفافیت اطلاعاتی با اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت پرداخت. نتایج پژوهش نشان داد که شرکت های با شفافیت اطلاعاتی بیشتر در مقایسه با سایر شرکت ها موضع متهورانه تری برای اجتناب مالیاتی اتخاذ می کنند. علاوه بر این، سرمایه گذاران برای شرکت های دارای اجتناب مالیاتی، ارزش بیشتری قائل بوده که با کاهش شفافیت اطلاعاتی، ارزش شرکت نیز کاهش می یابد. کیم و همکاران^{۲۰} (۲۰۱۱) به بررسی ارتباط میان اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام پرداختند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی و ریسک سقوط قیمت سهام رابطه مثبت معناداری وجود دارد. به بیان دیگر، اجتناب مالیاتی ابزاری برای مدیران فراهم می آورد که آنان را قادر می سازد رفتار فرصت طلبانه خود را تسهیل نموده و اخبار بد را پنهان نمایند. بدین ترتیب، با انتشار یکباره این اخبار بد، قیمت سهام سقوط می کند. گایو و راپوسو^{۲۱} (۲۰۱۱) طی پژوهشی به بررسی رابطه بین کیفیت سود و فرصت های سرمایه گذاری با ارزش شرکت در میان نمونه ای متشکل از ۷۰۰۰ شرکت در ۳۸ کشور مختلف پرداختند. آنها در این تحقیق از یک شاخص ترکیبی مبتنی بر رتبه دهکی هر یک از ویژگی های سود (کیفیت ارقام تعهدی، پایداری، قابلیت پیش بینی، مربوط بودن به ارزش سهام، به موقع بودن و محافظه کاری سود) به عنوان معیار اندازه گیری کیفیت سود استفاده نمودند. یافته های پژوهش نشان داد که بین کیفیت سود و فرصت های سرمایه گذاری با ارزش

هزینه سرمایه (لمبرت و همکاران^{۱۳}، ۲۰۰۷) اشاره نمود. کای و لیو^{۱۴} (۲۰۰۵) در پژوهش خود تحت عنوان «محیط رقابتی و اجتناب مالیاتی» و با انتخاب نمونه ای مشتمل بر ۳۹۴۵۱ شرکت - سال مشاهده طی سال های ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ تأثیر محیط رقابتی بر اجتناب مالیاتی شرکت ها را مورد مطالعه قرار دادند و به این نتیجه رسیدند که شرکت های در محیط رقابتی بالاتر، فعالیت های اجتناب مالیاتی بیشتری نیز دارند. جن و همکاران^{۱۵} (۲۰۰۸) به بررسی میزان محافظه کاری پرداخت مالیات در شرکتهای خانوادگی و شرکتهای غیرخانوادگی پرداختند. نتایج نشان داد که شرکت های خانوادگی در مقایسه با سایر شرکت ها، فعالیت های اجتناب مالیاتی کمتری دارند. دسای و دارماپالا^{۱۶} (۲۰۰۹)، در تحقیقی ارتباط میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را برای نمونه ای متشکل از ۶۸۷ شرکت حاضر در بورس سهام آمریکا طی سال های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۷ بررسی نمودند. یافته های پژوهش حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی معناداری وجود دارد. علاوه بر این، نتایج نشان داد که رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت در شرکت هایی با ساز و کارهای حاکمیت شرکتی قوی تر، ضعیف تر است. کارانا و موزر^{۱۷} (۲۰۰۹) به بررسی تأثیر مالکیت نهادی بر گزارشگری جسورانه مالیاتی شرکت های آمریکایی پرداختند. ایشان در این تحقیق برای سنجش اجتناب مالیاتی شرکت از نرخ موثر مالیاتی نقدی و اختلاف بین سود حسابداری و سود مشمول مالیات بهره بردند و دریافتند که شرکت هایی با سطوح مالکیت نهادی بالاتر، عموماً از سیاست های مالیاتی جسورانه تر استفاده می نمایند. آتوود و همکاران^{۱۸} (۲۰۱۰) ارتباط بین اجتناب مالیاتی با پایداری سود و رابطه بین سود و جریانان

حاکمی از آن است که بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه منفی معناداری وجود دارد. علاوه بر این نتایج نشان داد که با افزایش شفافیت اطلاعاتی، اثر منفی اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت کاهش می‌یابد. گوانتروهمکاران^{۲۴} (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "اجتناب مالیاتی و ریسک شرکت" به این موضوع پرداخته‌اند که آیا تصمیمات مالیاتی بر ریسک شرکت تاثیر دارد و اینکه تا چه حد معیارهای تجربی اجتناب مالیاتی شرکت، منعکس کننده انتخاب مخاطره آمیز مالیات شرکت است نتایج نشان داد که رابطه مثبتی بین انحراف معیار نرخ موثر مالیات نقدی و نوسانات بازده سهام وجود دارد ولی بین پایین بودن نرخ موثر مالیات نقدی و یا بالا بودن منافع مالیاتی شناسایی نشده با نوسانات بازده سهام، رابطه معناداری وجود ندارد. قائمی و علوی (۱۳۹۱) تاثیر شفافیت اطلاعاتی را بر میزان نگاه‌داشت وجه نقد شرکتها طی سال های ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ بررسی نمودند. یافته‌ها نشان داد که بین شفافیت اطلاعات و میزان نگهداری وجه نقد رابطه منفی معنی داری وجود دارد. مهرانی و سیدی (۱۳۹۳) در تحقیق خود به بررسی رابطه مالیات ابرازی و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی پرداختند. یافته های بررسی نشان داد که بین مالیات ابرازی و محافظه کاری با اجتناب مالیاتی شرکت ها رابطه منفی معناداری وجود دارد. رحمانی و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود به بررسی رابطه بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با اجتناب از مالیات، در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج این بررسی حاکی از آن است که بین تفاوت مالیات تشخیصی و ابرازی با اجتناب از مالیات رابطه مثبت معناداری وجود دارد. مشایخی و سیدی (۱۳۹۴) در تحقیق خود با عنوان "راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی" به بررسی رابطه برخی از معیارهای

شرکت رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. علاوه بر این آنها دریافتند که سطح فرصت های سرمایه گذاری موجب تشدید رابطه مزبور خواهد گردید. دالیوال و همکاران^{۲۱} (۲۰۱۱) رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و سطح نگهداری وجه نقد را بررسی نمودند. نتایج تحقیق آنها حاکی از وجود یک رابطه منفی بین اجتناب از پرداخت مالیات و نگهداری وجه نقد بود. همچنین بیان کردند که در شرکت‌های با ساختار حاکمیت قوی این رابطه ضعیف تر است. بالاکریشن و همکاران^{۲۲} (۲۰۱۲) در پژوهش خود به این موضوع پرداختند که آیا گزارشگری متهورانه مالیاتی، شفافیت اطلاعاتی شرکت را کاهش می‌دهد یا خیر. آنها در این تحقیق از متغیرهای عدم تقارن اطلاعاتی، کیفیت سود و خطای پیش‌بینی تحلیلگران به عنوان سنج‌های شفافیت اطلاعاتی و از تفاوت دفتری مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی برای سنجش اجتناب مالیاتی استفاده نموده و به این نتیجه رسیدند که گزارشگری مالیاتی متهورانه باعث کاهش شفافیت اطلاعاتی شرکت می‌شود. گو و همکاران^{۲۳} (۲۰۱۳) تاثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه حقوق صاحبان شرکت ها بررسی نمودند. نتایج تحقیق نشان داد که بین اجتناب مالیاتی و هزینه حقوق صاحبان سهام شرکت ها رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین آنها دریافتند که در شرکت‌هایی با نظارت خارجی بهتر و نیز شرکت‌های با کیفیت اطلاعات حسابداری بالاتر، این رابطه قوی تر است. چن و همکاران (۲۰۱۴) در پژوهش خود به بررسی ارتباط میان اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت و همچنین تاثیر شفافیت اطلاعاتی بر رابطه بین آن‌ها، پرداختند. در این تحقیق برای اجتناب مالیاتی از دو سنج تفاوت دفتری مالیات و نرخ مؤثر مالیاتی و از نسبت Q توبین به عنوان شاخص اندازه گیری ارزش شرکت استفاده گردید. با بهره گیری از مدل های رگرسیون چند متغیره نتایج

تأثیر برخی از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی شامل نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره را بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی مورد بررسی قرار دادند. نتایج حاصل از پژوهش بیانگر آن است که نسبت هیأت مدیره موظف، نسبت تغییرات هیأت مدیره و نقش دوگانه رئیس هیأت مدیره، تأثیر معناداری بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی ندارد. اما این در حالی است که وضعیت مالیاتی و نسبت بازده دارایی‌ها به ترتیب رابطه‌ای منفی و مثبت با سیاست تقلیل دهنده مالیاتی دارند.

۳- فرضیه‌های پژوهش

بر پایه مطالب مطروحه فوق، فرضیه اول پژوهش به صورت زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول- بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت رابطه معناداری وجود دارد.

مطابق با تئوری نمایندگی در صورت وجود مسائل نمایندگی، شفافیت اطلاعاتی باعث کاهش تضاد نمایندگی میان ذینفعان شده (آرمسترانگ و همکاران^{۲۵}، ۲۰۱۰) و از طریق انتقال جریانات نقدی جاری و آتی و تغییر در تصمیم‌گیری مدیریت سبب تعدیل ارزش بازار شرکت می‌گردد (لمبرت و همکاران، ۲۰۰۷). بدین ترتیب مدیران به انتخاب بهتر سرمایه‌گذاری‌ها، مدیریت کارآتر دارایی‌ها و رعایت حقوق سهامداران ترغیب می‌شوند. از سوی دیگر، با افزایش شفافیت اطلاعاتی، زوایای مختلف عملیات شرکت برای دولت بیشتر آشکار شده که این به نوبه خود، احتمال اجتناب مالیاتی از سوی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد (چن و همکاران، ۲۰۱۴). وانگ و همکاران (۲۰۰۹) نیز بیان می‌کنند که شفافیت اطلاعاتی به مثابه یک شمشیر دو لبه است و رابطه غیرخطی (U شکل) با ارزش شرکت دارد. بنابراین، بر

مهم راهبری شرکتی شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال هیأت مدیره و اندازه هیأت مدیره؛ و اجتناب مالیاتی پرداختند. نتیجه بررسی مبین آن است که رابطه معناداری بین راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی وجود ندارد. علاوه بر این، رابطه منفی و معناداری بین متغیرهای کنترلی سودآوری و اندازه شرکت و همچنین رابطه مثبت و معناداری بین حسابرسی مالیاتی و اجتناب مالیاتی مشاهده گردید. رضایی و جعفری نیارکی (۱۳۹۴) به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. این بررسیها در ابتدا برای مشخص کردن شرکت‌های متقلب با استفاده از اطلاعات مالی ۱۷۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۹۰ و با بهره‌گیری از روش تجزیه و تحلیل رگرسیون خطی چند متغیره انجام شده است. سپس بعد از شناسایی شرکت‌های متقلب و سالهایی که مرتکب تقلب در حسابداری شده‌اند. نتایج تحقیق دلالت بر وجود رابطه مستقیم و معنادار میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها در زمانی که معیار سنجش اجتناب مالیاتی نرخ موثر مالیات نقدی و اختلاف دائمی مالیات باشد، دارد. همچنین در زمانی که اجتناب مالیاتی با نرخ موثر مالیات نقدی بلند مدت سنجیده می‌شود، رابطه معناداری میان اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکت‌ها مشاهده نشد. عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی را بررسی نمودند. با انتخاب نمونه‌ای از ۷۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۲ و با بهره‌گیری از الگوی رگرسیون چندمتغیره نتایج پژوهش نشان داد که اثر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب مالیاتی، مثبت و معنادار است. سپاسی و فتوحی (۱۳۹۴) طی پژوهشی

پس از اعمال محدودیت های فوق تعداد ۹۴ شرکت به عنوان نمونه تحقیق انتخاب شدند. داده های تحقیق حاضر از لوح های فشرده آرشو آماری و تصویری سازمان بورس اوراق بهادار تهران، پایگاه اینترنتی بورس اوراق بهادار تهران و دیگر پایگاه های مرتبط و نیز از نرم افزار های تدبیر پرداز و دناسهم استخراج گردید. تجزیه و تحلیل نهایی داده های گردآوری شده نیز با استفاده از نرم افزار اقتصادسنجی Eviews صورت گرفته است.

۵- مدل های پژوهش و متغیرهای آن

به منظور آزمون فرضیه های تحقیق، به پیروی از چن و همکاران (۲۰۱۴) از مدل های رگرسیونی چندمتغیره زیر استفاده شده است:

مدل مربوط به آزمون فرضیه اول:

مدل (۱)

$$Q_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TAXAGG_{i,t} + \beta_2 SIZE_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 CAPI_{i,t} + \beta_5 ROE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

مدل مربوط به آزمون فرضیه دوم:

مدل (۲)

$$Q_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 TAXAGG_{i,t} + \beta_2 TRANS_{i,t} + \beta_3 TAXAGG_{i,t} * TRANS_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 LEV_{i,t} + \beta_6 CAPI_{i,t} + \beta_7 ROE_{i,t} + \epsilon_{i,t}$$

که در مدل های فوق:

$Q_{i,t}$ ، ارزش شرکت محاسبه شده بر اساس نسبت Q توین برای شرکت i در سال t ؛ $TAXAGG_{i,t}$ ، یکی از دو سنجه اجتناب مالیاتی شرکت i در سال t ؛ $TRANS_{i,t}$ ، شفافیت اطلاعاتی شرکت i در سال t ؛ $TAXAGG_{i,t} * TRANS_{i,t}$ ، اثر تعاملی شفافیت اطلاعاتی و اجتناب مالیاتی برای شرکت i در سال t ؛ $SIZE_{i,t}$ ، اندازه شرکت، معادل لگاریتم طبیعی فروش سالیانه شرکت i در سال t ؛ $LEV_{i,t}$ ، اهرم مالی که

پایه مطالب فوق انتظار می رود که شفافیت اطلاعاتی، رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت را تعدیل نماید. لذا فرضیه دوم پژوهش به شرح زیر ارائه می شود:

فرضیه دوم - شفافیت اطلاعاتی بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت تأثیر معناداری دارد.

۴- روش شناسی پژوهش

تحقیق حاضر از نظر هدف، تحقیقی کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده از نوع تحقیقات نیمه تجربی پس رویدادی در حوزه تحقیقات اثباتی حسابداری است که با استفاده از روش رگرسیون چند متغیره و مدل های اقتصادسنجی انجام شده است. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش را شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ الی ۱۳۹۳ تشکیل می دهد و نمونه انتخابی تحقیق نیز شرکت هایی می باشند که مجموعه شرایط زیر را دارا باشند:

(۱) شرکت هایی که تاریخ پذیرش آنها در سازمان بورس اوراق بهادار قبل از سال ۱۳۸۹ بوده و تا پایان سال ۱۳۹۳ نیز در فهرست شرکتهای بورسی باشند.

(۲) به منظور افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی آنها منتهی به پایان اسفند ماه باشد.

(۳) طی سال های مذکور تغییر فعالیت یا تغییر سال مالی نداده باشند.

(۴) جزء شرکت های سرمایه گذاری و واسطه گری مالی نباشند (شرکتهای سرمایه گذاری به علت تفاوت ماهیت فعالیت با بقیه شرکت ها در جامعه آماری منظور نشدند).

(۵) طول وقفه انجام معاملات در این شرکت ها طی دوره زمانی مذکور بیشتر از ۶ ماه نباشد.

شرکت حاصل می‌شود که به دلیل دشواری برآورد ارزش بازار بدهی و ارزش جایگزینی دارایی‌ها، برای محاسبه Q تویین از مدل ساده شده آن به شرح زیر استفاده شده است:

$$Q_{i,t} = \frac{MVE_{i,t} + BVD_{i,t}}{BVA_{i,t}}$$

که در آن:

$MVE_{i,t}$: ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t: $BVD_{i,t}$: ارزش دفتری بدهی هایش شرکت i در سال t و $BVA_{i,t}$: ارزش دفتری دارایی هایش شرکت i در سال t می‌باشد. علت انتخاب این نسبت به عنوان سنجه ارزش شرکت، قابلیت مقایسه نتایج تحقیق با تحقیقات قبلی (چن و همکاران، ۲۰۱۴؛ ژانگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ دسای و دارماپالا، ۲۰۰۹) بوده است.

متغیر مستقل

متغیر مستقل پژوهش حاضر، اجتناب مالیاتی است که به منظور اندازه‌گیری آن مطابق با پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴)، دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) و عرب صالحی و هاشمی (۱۳۹۴) از دو سنجه استفاده شده است. سنجه اول اجتناب مالیاتی، تفاوت دفتری مالیات (BTD) از طریق تفاوت بین سود حسابداری (سود قبل از مالیات) و سود مشمول مالیات شرکت بدست می‌آید که سود مشمول مالیات نیز از تقسیم هزینه مالیات بر نرخ مالیات قانونی محاسبه می‌گردد که به منظور همگن‌سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شده است.

دومین سنجه اجتناب مالیاتی، نرخ موثر مالیاتی (ETR) بوده که به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$ETR_{i,t} = \frac{TTE_{i,t}}{PTE_{i,t}}$$

که در آن:

$ETR_{i,t}$: نرخ موثر مالیاتی شرکت i در سال t،
 $TTE_{i,t}$: کل هزینه مالیات شرکت i در سال t
 $PTE_{i,t}$: سود قبل از مالیات شرکت i در سال t است.

برابر است با نسبت بدهی به مجموع دارایی‌های شرکت i در سال t: $CAPI_{i,t}$ ، نسبت مخارج سرمایه‌ای به کل دارایی‌های شرکت i در سال t: $ROE_{i,t}$ ، نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t و $\varepsilon_{i,t}$ ، جزء خطای مدل رگرسیون می‌باشد.

از آنجا که در این تحقیق برای سنجش اجتناب مالیاتی از دو سنجه تفاوت دفتری مالیات (BTD) و نرخ موثر مالیاتی (ETR) استفاده شده است، لذا مدل‌های فوق، برای هر یک از معیارهای اجتناب مالیاتی دو بار به صورت جداگانه برآورد می‌گردد. به منظور برآورد مدل‌های تحقیق از تکنیک داده‌های تلفیقی استفاده شده است. داده‌های تلفیقی که از ترکیب دو دسته داده‌های سری زمانی و مقطعی حاصل می‌شود، امروزه به طور گسترده‌ای توسط محققین مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بسیاری از موارد، محققین از این روش برای مواردی که نمی‌توان مسائل را به صورت سری زمانی یا مقطعی بررسی نمود و یا زمانی که تعداد داده‌ها کم است، استفاده می‌کنند. ادغام داده‌های سری زمانی و مقطعی و ضرورت استفاده از آن بیشتر به دلیل افزایش تعداد مشاهدات، بالا بردن درجه آزادی، کاهش ناهمسانی واریانس و کاهش همخطی میان متغیرها می‌باشد (گجراتی، ۲۰۰۹).

متغیرهای مورد مطالعه در این تحقیق شامل متغیرهای وابسته، مستقل، تعدیل‌کننده و کنترلی به شرح زیر اندازه‌گیری شده‌اند:

متغیر وابسته:

ارزش شرکت به عنوان متغیر وابسته تحقیق حاضر در نظر گرفته شده که برای سنجش آن از یکی از رایج‌ترین معیارهای سنجش ارزش شرکت، یعنی نسبت Q تویین استفاده می‌گردد. نسبت مذکور از تقسیم ارزش بازار به ارزش جایگزینی دارایی‌های

متغیر تعدیل کننده

متغیر تعدیلی مورد استفاده در این پژوهش، شفافیت اطلاعاتی است که جهت محاسبه آن از امتیازهای سالیانه کیفیت افشای شرکتی که توسط سازمان بورس اوراق بهادار منتشر گردیده، استفاده شده است. امتیازهای کیفیت افشاء شرکت ها بر مبنای وضعیت اطلاع رسانی آن ها از نظر به موقع بودن و قابلیت اتکا اطلاعات افشا شده محاسبه می شود. این شیوه اندازه گیری در مطالعات کردستانی و قاسمی (۱۳۹۱) و چن و همکاران (۲۰۱۴) نیز بکار گرفته شده است.

متغیر کنترلی

در این پژوهش برخی از مهم ترین متغیرهایی که بر مبنای مطالعات قبلی به عنوان عوامل موثر بر ارزش شرکت شناخته شده اند، به عنوان متغیرهای کنترلی مد نظر قرار گرفتند که عبارتند از:

اندازه شرکت: شواهد تجربی گائو و راپاسو (۲۰۱۱) و چن و همکاران (۲۰۱۴) نشان می دهد که شرکت های بزرگ تر دارای ارزش بالاتری هستند. از این رو در این پژوهش، اندازه شرکت که از طریق از لگاریتم طبیعی خالص فروش سالیانه شرکت اندازه گیری می شود، به عنوان متغیر کنترلی در نظر گرفته شده است.

اهرم مالی: شرکت های اهرمی، به دلیل نظارت خارجی اعمال شده از سوی اعتباردهندگان بر رفتار مدیران و به تبع آن کاهش مسائل نمایندگی، ارزش بیشتری در مقایسه با سایر شرکت ها دارند (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۹). از این رو در تحقیق حاضر، اهرم مالی به عنوان یکی دیگر از متغیرهای کنترلی لحاظ شده که از تقسیم مجموع بدهی به مجموع دارایی های شرکت محاسبه می شود.

نسبت مخارج سرمایه ای:نسبت مخارج سرمایه

ای از تقسیم جمع مخارج سرمایه ای به کل دارایی های شرکت، اندازه گیری می شود. این نسبت در پژوهش های چن و همکاران (۲۰۱۴) و دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) نیز به عنوان متغیر کنترلی بکار گرفته شده است.

سودآوری: در رابطه با سودآوری، انتظار می رود که ارزش شرکتها با سودآوری رابطه مثبتی داشته باشد. چراکه سرمایه گذاران به شرکتهای سودآور توجه بیشتری نشان می دهند. همچنین شرکتهایی که سطح سود بالاتری را گزارش می کنند، می توانند به عنوان شرکتهایی که دارای ارزش بالاتری هستند تلقی شوند (ژانگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ گایو راپاسو، ۲۰۱۱). لذا در این پژوهش، بازده حقوق صاحبان سهام که از تقسیم سود خالص بر ارزش بازار حقوق صاحبان سهام بدست می آید به عنوان سنجه سودآوری و یکی دیگر از متغیرهای کنترلی وارد مدل شده است.

۶- نتایج پژوهش**۶-۱- آمار توصیفی**

به منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها، همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق آنها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. نگاره (۱)، آمار توصیفی متغیرهای مورد آزمون که شامل برخی شاخص های مرکزی و پراکندگی می باشد را برای نمونه ای متشکل از ۴۷۰ شرکت - سال مشاهده در فاصله زمانی سال های ۱۳۸۹-۱۳۹۳ نشان می دهد. مقایسه میانگین مشاهدات با میانه آن ها و اختلاف اندک آن ها، بیانگر نرمال بودن توزیع مشاهدات می باشد.

نگاره (۱) - آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
Q	۴۷۰	۱/۸۷۳	۱/۷۰۹	۰/۷۲۴	۸/۴۴۳	۰/۷۳۳
BTD	۴۷۰	۰/۰۸۲	۰/۰۶۸	-۰/۰۴۹	۰/۵۲۴	۰/۱۰۸
ETR	۴۷۰	۰/۱۴۶	۰/۱۲۱	۰/۰۰۰	۰/۴۳۱	۰/۱۸۴
TRANS	۴۷۰	۵۳/۳۲۸	۴۹	۴	۹۷	۹/۲۰۹
SIZE	۴۷۰	۱۰/۶۳۱	۱۰/۴۰۷	۹/۳۸۴	۱۲/۸۲۷	۰/۶۱۴
LEV	۴۷۰	۰/۴۸۱	۰/۴۴۹	۰/۱۱۹	۰/۷۹۱	۰/۴۵۸
CAP	۴۷۰	۰/۱۷۴	۰/۱۴۶	۰/۰۰۸	۰/۵۳۱	۰/۱۳۷
ROE	۴۷۰	۰/۱۸۳	۰/۱۶۹	۰/۰۱۲	۰/۶۹۱	۰/۵۱۲

Q، ارزش شرکت محاسبه شده بر اساس نسبت Q توپین؛ BTD، تفاوت دفتری مالیات؛ ETR، نرخ موثر مالیاتی؛ TRANS، شفافیت اطلاعاتی شرکت؛ SIZE، اندازه شرکت، معادل لگاریتم طبیعی فروش سالیانه شرکت؛ LEV، اهرم مالی که برابر است با نسبت بدهی به مجموع دارایی های شرکت؛ CAP، نسبت مخارج سرمایه ای به کل دارایی های شرکت؛ ROE، نسبت سود خالص به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت.

۶-۲- نتایج آزمون فرضیه ها

باتوجه به روش مدل سازی داده های تلفیقی، ابتدا باید مشخص نمود که کدامیک از فروض یکسان بودن عرض از مبدأها یا متفاوت بودن آنها برای مقاطع، می بایست اعمال گردد. بدین منظور از آزمون F لیمر استفاده می شود. در این آزمون، فرضیه H_0 ، نشان دهنده یکسان بودن عرض از مبدأها بوده و در مقابل فرضیه H_1 ، دلالت بر ناهمسانی عرض از مبدأها دارد. چنان چه آماره F محاسباتی بیشتر از F جدول باشد، فرضیه صفر (H_0) رد شده و متفاوت بودن عرض از مبدأها برای مقاطع مختلف پذیرفته می شود. نتایج مربوط به آزمون F در نگاره (۲) نشان داده شده است.

نتایج این نگاره نشان می دهد فرضیه صفر مبنی بر برابری عرض از مبدأها در مقاطع مختلف برای تمامی مدل ها رد می شود. پس از مشخص شدن این که عرض از مبدأ برای مقاطع مختلف یکسان نیست، باید روش مورد استفاده در برآورد مدل (اثرات ثابت یا تصادفی) تعیین گردد که بدین منظور از آزمون هاسمن استفاده می شود. در این آزمون فرضیه H_0 ،

همان گونه که در این نگاره ملاحظه می شود، نسبت Q توپین محاسبه شده برای شرکت های مورد بررسی در دامنه ای بین ۰/۷۲۴ تا ۸/۴۴۳ قرار داشته و میانگین آن برابر با ۱/۸۷۳ بوده که بر پایین بودن نسبی ارزش دفتری دارایی های شرکت های نمونه در مقایسه با ارزش بازار آن ها دلالت دارد. میانگین نرخ موثر مالیاتی ۰/۱۴۶ است، در حالی که نرخ موثر مالیاتی قانونی ۲۲/۵ درصد بوده که این انحراف از نرخ قانونی، از اجتناب مالیاتی در شرکت ها حکایت دارد. اندازه شرکت که از طریق لگاریتم فروش سالیانه شرکت محاسبه می گردد، دارای مقدار میانگین ۱۰/۶۳۱ و میانه ۱۰/۴۰۷ بوده که حداقل و حداکثر مقدار این متغیر به ترتیب برابر با ۹/۳۸۴ و ۱۲/۸۲۷ می باشد. علاوه بر این، ملاحظه مقدار میانگین متغیر اهرم مالی حکایت از آن دارد که به طور متوسط حدود ۴۸ درصد از دارایی های شرکت های نمونه از محل بدهی تامین مالی شده است. سود خالص شرکت های نمونه نیز به طور میانگین معادل ۱۸ درصد ارزش بازار حقوق صاحبان سهام آنهاست.

مبنی بر سازگاری تخمین های اثر تصادفی در مقابل فرضیه H_1 ، مبنی بر ناسازگاری تخمین های اثر تصادفی قرار می گیرد. بنابراین در صورتی که H_0 پذیرفته شود، روش اثرات تصادفی بر روش اثرات ثابت مرجح خواهد بود و در غیر اینصورت، روش اثرات ثابت بر روش اثرات تصادفی برتری خواهد داشت. نتایج مربوط به آزمون هاسمن در نگاره (۳) نشان داده شده است.

نگاره (۲) - نتایج آزمون F لیمر برای مدل های تحقیق

مدل	سنجه اجتناب مالیاتی	مقدار آماره F	سطح معناداری	نتیجه
مدل (۱)	BTD	۳/۲۰۸	۰/۰۰۰	رد H_0
مدل (۱)	ETR	۳/۲۱۷	۰/۰۰۰	رد H_0
مدل (۲)	BTD	۴/۰۶۱	۰/۰۰۰	رد H_0
مدل (۲)	ETR	۴/۰۷۳	۰/۰۰۰	رد H_0

نگاره (۳) - نتایج آزمون هاسمن برای انتخاب بین اثرات ثابت و اثرات تصادفی

مدل	سنجه اجتناب مالیاتی	مقدار آماره χ^2	سطح معناداری	نتیجه
مدل (۱)	BTD	۱۲/۶۸۳	۰/۰۲۹	رد H_0
مدل (۱)	ETR	۱۲/۸۳۷	۰/۰۲۴	رد H_0
مدل (۲)	BTD	۱۸/۲۵۹	۰/۰۱۲	رد H_0
مدل (۲)	ETR	۱۹/۰۴۱	۰/۰۰۷	رد H_0

مربعات تعمیم یافته ۲۶ (GLS) استفاده شده است. علاوه بر این، به منظور اطمینان از عدم وجود مشکل همخطی چندگانه بین متغیرها، آزمون همخطی با استفاده از عامل تورم واریانس (VIF) مورد بررسی قرار گرفت که با توجه آن که مقادیر این آماره برای متغیرهای توضیحی کمتر از ۱۰ است، می توان دریافت که مشکل همخطی چندگانه تهدیدی جدی برای مدل محسوب نمی شود.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه اول (برآورد مدل شماره ۱) به طور جداگانه بر اساس هر یک از دو سنجه تفاوت دفتری مالیات (BTD) و نرخ موثر مالیاتی (ETR) برای اجتناب مالیاتی، در نگاره (۴) ارائه شده است.

نتایج نگاره ۳ بیانگر آن است که در تمامی مدل ها فرضیه صفر رد شده، لذا مدل ها باید به روش اثرات ثابت برآورد گردد. به منظور تشخیص نرمال بودن توزیع اجزای اخلاص مدل نیز از آزمون جارک- برا استفاده گردید. از آنجا که نتیجه احتمال آماره جارک- برا، برای مدل های تحقیق به ترتیب ۰/۲۸۵ و ۰/۱۴۱ بوده که بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض صفر مبنی بر نرمال بودن اجزای اخلاص را نمی توان رد کرد؛ پس توزیع اجزای اخلاص نرمال است. ضمن آن که، بر اساس قضیه حد مرکزی، در داده هایی که تعداد مشاهده ها زیاد است، ضرایب نرمال محسوب می شوند، هر چند توزیع اجزا نرمال نباشد (گجراتی، ۲۰۰۹). در این تحقیق همچنین، برای آزمون همبستگی بین پسماندها از آماره دوربین- واتسن و برای رفع ناهمسانی واریانس، از روش حداقل

نگاره (۴) - نتایج برآورد مدل اول بر اساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

(TAXAGG=ETR)		(TAXAGG=BTD)		متغیر
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
۳/۳۳۷	۱/۵۳۷**	۳/۳۲۸	۱/۴۷۵**	C
-۳/۰۲۸	-۰/۰۷۸**	-۳/۲۶۹	-۰/۲۱۸**	TAXAGG
۲/۱۳۲	۰/۰۸۳*	۲/۲۶۲	۰/۰۸۵*	SIZE
۰/۹۹۳	۰/۰۴۹	۰/۵۸۳	۰/۰۲۸	LEV
۰/۵۶۹	۰/۰۲۷	۰/۸۴۱	۰/۰۴۰	CAP
۳/۱۲۷	۰/۰۷۳**	۳/۱۸۱	۰/۰۴۳**	ROE
۹/۴۶۸**	آماره F	۹/۲۱۶**	آماره F	
۰/۵۵۹	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۳۱	ضریب تعیین تعدیل شده	
۱/۹۷۵	آماره دوربین واتسن	۱/۹۸۳	آماره دوربین واتسن	
* و ** به ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۰.۵٪ و ۰.۱٪ می باشد.				

سنجه اجتناب مالیاتی (BTD و ETR) منفیو در سطح خطای ۱ درصد معنادار بوده که حاکی از وجود رابطه منفی معنادار میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت می باشد. لذا فرضیه اول تحقیق در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته می شود. نگاره (۵) نتایج برآورد مدل شماره ۲ را بر اساس دو سنجه اجتناب مالیاتی را نشان می دهد:

مقایسه مقادیر آماره F در نگاره بالا با مقدار F جدول، نشان دهنده معناداری کلی مدل های رگرسیونی برازش شده در سطح خطای ۱ درصد است. همچنین، بررسی مقادیر آماره دوربین واتسن موید عدم وجود خود همبستگی بین اجزای اخلال هر یک از مدل های رگرسیون می باشد. همان گونه که در نگاره فوق نیز ملاحظه می شود، ضریب هر دو

نگاره (۵) - نتایج برآورد مدل دوم بر اساس دو سنجه اجتناب مالیاتی

(TAXAGG=ETR)		(TAXAGG=BTD)		متغیر
آماره t	ضریب	آماره t	ضریب	
۳/۵۰۶	۱/۵۴۱**	۳/۶۱۸	۱/۵۷۳**	C
-۳/۲۸۶	-۰/۰۸۱**	-۳/۰۵۸	-۰/۰۷۰**	TAXAGG
۳/۸۸۲	۰/۱۸۷**	۳/۹۶۷	۰/۱۴۹**	TRANS
۲/۳۲۳	۰/۲۰۴*	۲/۹۱۳	۰/۲۳۶**	TAXAGG*TRANS
۲/۴۹۱	۰/۰۹۳*	۲/۴۰۳	۰/۰۸۹*	SIZE
۰/۷۷۶	۰/۰۳۸	۱/۰۴۳	۰/۰۵۱	LEV
۰/۳۷۹	۰/۰۵۱	۰/۲۵۵	۰/۰۱۲	CAP
۳/۲۴۶	۰/۱۹۵**	۳/۱۰۹	۰/۰۶۱**	ROE
۹/۴۷۱**	آماره F	۹/۴۶۳**	آماره F	
۰/۵۶۸	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۵۶۳	ضریب تعیین تعدیل شده	
۱/۹۸۳	آماره دوربین واتسن	۱/۹۸۹	آماره دوربین واتسن	
* و ** به ترتیب بیانگر معناداری آماری در سطح خطای ۰.۵٪ و ۰.۱٪ می باشد.				

یافته مطابق با پیش‌بینی نظریه نمایندگی است که بیان می‌دارد، سیاست های اجتناب مالیاتی شرکت مستلزم پنهان نمودن حقایق و معاملات پیچیده بوده که می‌تواند در فعالیت های شرکت ابهام ایجاد نموده و زمینه لازم برای فرصت طلبی و انحراف منابع توسط مدیران را فراهم سازد. از این رو، سرمایه گذاران برای شرکت های دارای اجتناب مالیاتی ارزش کمتری قائلند. این نتیجه، با یافته های پژوهش چن و همکاران (۲۰۱۴) و دسای و دارماپالا (۲۰۰۹) نیز همخوانی دارد. در فرضیه دوم تحقیق تاثیر شفافیت اطلاعاتی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون این فرضیه بیانگر آن است که شفافیت اطلاعاتی، اثر منفی اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. این یافته بدان معناست که با بهبود شفافیت اطلاعاتی، نظارت سرمایه گذاران بر رفتار مدیران تسهیل شده و نگرانی آنان در خصوص مسائل نمایندگی مرتبط با اجتناب مالیاتی شرکت، کاهش می‌یابد. بدین ترتیب، شفافیت اطلاعاتی می‌تواند اثر منفی اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت را تعدیل نماید. چن و همکاران (۲۰۱۴) و وانگ (۲۰۱۰) نیز در پژوهش خود به نتایج مشابهی با این تحقیق دست یافتند.

براساس یافته‌های پژوهش حاضر، به سرمایه گذاران و فعالان بازار سرمایه پیشنهاد می‌شود که هنگام اتخاذ تصمیمات سرمایه گذاری در کنار سایر متغیرهای مالی به میزان شفافیت اطلاعاتی و اجتناب مالیاتی شرکت نیز توجه نموده و آن‌ها را به عنوان عوامل اثرگذار بر ارزش شرکت در مدل‌های تصمیم‌گیری خود لحاظ نمایند. علاوه بر این، به دست اندرکاران و تدوین‌کنندگان قوانین مالیاتی پیشنهاد می‌گردد که با وضع مقرراتی شرکت‌ها را ملزم نمایند تا فعالیت‌ها و رویه‌های مالیاتی خود را به صورت شفاف‌تری افشا کنند؛ به طور مثال، صورت

ملاحظه مقادیر آماره های F در این نگاره، بیانگر معناداری کلی مدل های رگرسیونی برآزش شده در سطح اطمینان ۰/۹۹ است. مقادیر آماره دوربین-واتسنیز حکایت از عدم وجود مشکل خود همبستگی در میان جملات پسماند دارد. همان گونه که در این نگاره مشهود است، ضریب برآوردی و آماره t مربوط به متغیر تعاملی TAXAGG*TRANS در هر دو مدل مثبت و در سطح خطای ۵ درصد معنادار است. بدین ترتیب، فرضیه دوم تحقیق نیز در سطح خطای ۵ درصد تایید می‌گردد. یعنی می‌توان گفت که شفافیت اطلاعاتی، اثر منفی اجتناب مالیاتی بر ارزش شرکت را کاهش می‌دهد.

۷- نتیجه‌گیری و بحث

بر مبنای ادبیات موجود، در خصوص رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت دو دیدگاه متناقض وجود دارد. از یک سو، دیدگاه ارزش آفرینی بیان می‌کند که فعالان بازار سرمایه برای فعالیت های اجتناب از مالیات ارزش قائلند. از سوی دیگر، بر اساس تئوری نمایندگی استدلال می‌شود که ماهیت غیر شفاف و پیچیده فعالیت های اجتناب مالیاتی، مدیران را قادر می‌سازد تا با پنهان نمودن اخبار بد، در راستای نفع شخصی و دستیابی به اهداف فرصت طلبانه خود گام بردارند. از این رو، هدف اصلی این پژوهش بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت و مطالعه اثر تعدیل‌کنندگی شفافیت اطلاعاتی بر رابطه بین آن‌ها در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. برای دستیابی به این هدف نمونه ای متشکل از ۹۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال های ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۳ در نظر گرفته شد و دو فرضیه معرفی گردید. نتایج تحقیق حاکی از آن است که بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت رابطه منفی معناداری وجود دارد. این

- مالیاتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، دوره ۲۲، شماره ۱، صص ۸۵-۱۰۴.
- * قائمی، محمد حسین و علوی، سید مصطفی. (۱۳۹۴). رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد. حسابداری مدیریت، سال ۵، شماره ۱۲، صص ۶۷-۷۸.
- * کردستانی، غلامرضا و قاسمی خیرآبادی، سهیلا. (۱۳۹۱). تأثیر محافظه کاری و کیفیت افشاء بر هزینه سرمایه سهام عادی. پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی، سال اول، شماره ۱.
- * مشایخی، بیتا و سیدی، سیدجلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۰، صص ۸۳-۱۰۳.
- * مهرانی، ساسان و سیدی، سید جلال. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر مالیات بر درآمد و حسابداری محافظه کارانه بر اجتناب مالیاتی شرکتها. دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، سال سوم، شماره دهم، صص ۱۳-۳۳.
- * Armstrong, C.S. Guay, W.R. and Weber, J.P. (2010). The role of information and financial reporting in corporate governance and debt contracting. *Journal of Accounting and Economics*, Vol. 22 No 2/3, pp. 179-234.
- * Atwood, T.J. Drake, Michael S. and Myers, Linda A. (2010). Book-Tax Conformity, Earnings Persistence and the Association between Earnings and Future Cash Flows, Forthcoming, *Journal of Accounting and Economics*.
- * Ayers, B.C. Jiang, J. and Laplante, S.K. (2009). Taxable income as a performance measure: the effects of tax planning and earnings quality, *Contemporary Accounting Research*, Vol. 26 No. 1, pp. 15-54.
- * Balakrishnan, K. Blouin, J. and Guay, W. (2011). Does tax aggressiveness reduce financial reporting transparency?, available at: <http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract=>
- * Bushman, R.M. and Smith, A.J. (2003). Transparency, financial accounting

- تطبيق سود حسابداری و سود مشمول مالیات را تهیه کنند تا اطلاعاتی مفید و قابل اتکا برای استفاده کنندگان صورت های مالی فراهم شود. در ادامه این تحقیق، برخی از موضوعات مهمی که می‌توانند در پژوهش‌های آتی مورد بررسی قرار گیرند عبارتند از:
- (۱) انجام تحقیق حاضر به تفکیک صنایع موجود در بورس اوراق بهادار تهران به منظور کنترل تأثیر صنعت.
- (۲) بررسی اثر تعدیل کنندگی نظارت خارجی بر رابطه بین اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت.
- (۳) بررسی تأثیر اجتناب مالیاتی بر هزینه حقوق صاحبان سهام شرکتها.
- (۴) بررسی تأثیر مکانیزم های حاکمیت شرکتی بر اجتناب مالیاتی

فهرست منابع

- * رحمانی، علی؛ ملانظری، مهناز و اربابی بهار، زهرا. (۱۳۹۳). بررسی رابطه تفاوت مالیات تشخیصی و مالیات ابرازی با اجتناب از پرداخت مالیات. پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و پنجم (مسلسل ۷۳).
- * رضایی، فرزین و جعفری نیارکی، روح اله. (۱۳۹۴). رابطه بین اجتناب مالیاتی و تقلب در حسابداری شرکتها. پژوهشنامه مالیات، شماره بیست و ششم.
- * سپاسی، سحر و فتحی، زهرا. (۱۳۹۴). تاثیر حاکمیت شرکتی بر سیاست تعهدی تقلیل دهنده مالیاتی شرکتها پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. حسابداری مدیریت، سال ۸، شماره ۲۵، صص ۴۹-۵۹.
- * عرب صالحی، مهدی و هاشمی، مجید. (۱۳۹۴). تأثیر اطمینان بیش از حد مدیریتی بر اجتناب

- Tax Shelter Involvement, *Journal of Public Economics*, 93.
- * Khurans, K. and Moser, J. (2009). Institutional Ownership and Tax Aggressiveness, *Www.ssrn.com*.
 - * Kim, J. Li, Y. Zhang, L. (2011). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm-Level Analysis, *Forthcoming Journal of Financial Economics*.
 - * Lambert, R.A. Leuz, C. and Verrecchia, R.E. (2007). Accounting information, disclosure, and the cost of capital, *Journal of Accounting Research*, Vol. 45 No. 2, pp. 385-420.
 - * Wang, J. and Zhang, Q. (2009). Information transparency and manager compensation effectiveness: evidence from Chinese securities market, *Nankai Business Review*, Vol. 5, pp. 94-100 (in Chinese).
 - * Wang, X. (2010). Tax avoidance, corporate transparency, and firm value, available at: http://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=41716474.
 - * Wolk, H.I. Dodd J, Rozycki, J. (2013). Theory Accounting, Conceptual Issues in a Political and Economic Environment, Edition 8 United States of America, Sega publications.
 - * Zhang, B. Fan, Z. and Pan, J. (2009). Information transparency and corporate performance – from endogeneity perspective, *The Journal of Financial Research*, Vol. 2, pp. 169-184 (in Chinese).
 - * Cai, H. and Liu, Q. (2009). Competition and corporate tax avoidance: evidence from Chinese industrial firms, *The Economic Journal*, Vol. 119, April, pp. 1-32.
 - * Chen, S. Chen, X. Cheng, Q. and Shevlin, T. (2008). Are family firms more tax aggressive than non-family firms?, *Journal of Financial Economics*, Vol. 95 No. 1, pp. 41-61.
 - * Chen, X. Hu, N. Wang, X. Tang, X. (2014). Tax avoidance and firm value: evidence from China, *Nankai Business Review International*, Vol. 5, Iss1, pp. 25-42.
 - * Desai, M.A. Dyck, A. and Zingales, L. (2007). Theft and taxes, *Journal of Financial Economics*, Vol. 84 No. 3, pp. 591-623.
 - * Desai, M.A. and Dharmapala, D. (2009). Corporate tax avoidance and firm value, *Review of Economics and Statistics*, Vol. 91, No. 3, pp. 537-546.
 - * Dhaliwal, D. Huang, S.H. Moser, W. Pereira, R. (2011). Corporate Tax Avoidance and the Level and Valuation of Firm Cash Holdings, *Www.ssrn.com*.
 - * Frank, M.M. Lynch, L.J. and Rego, S.O. (2009). Tax reporting aggressiveness and its relation to aggressive financial reporting, *The Accounting Review*, Vol. 84 No. 2, pp. 46-496.
 - * Gaio, Cristina and Raposo, Clara C. Earnings Quality and Firm Valuation: International Evidence, (June 2011), *Accounting & Finance*, Vol. 51, Issue 2, pp. 467-499, 2011, Available at SSRN.
 - * Goh, B.W. Lee, J. Lim, Ch. & Shevlin, T. (2013). The Effect of Corporate Tax Avoidance on the Cost of Equity, Available at SSRN.
 - * Guenther, D.A. Matsunaga, S.R. & Williams, B.M. (2014). Corporate Tax Aggressiveness and Firm Risk, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2153187>.
 - * Gujarati, D.N. (2009). *Basic Econometrics*. 5th edition. New York: McGraw-Hill.
 - * Hanlon, M. Laplante, S.K. and Shevlin, T. (2005). Evidence for the possible information loss of conforming book income and taxable income, *Journal of Law & Economics*, Vol. 48 No. 2, pp. 407-442.
 - * Hanlon, M. & J. Slemrod (2009). What Does Tax Aggressiveness Signal? Evidence from Stock Price Reactions to News about

یادداشت‌ها

1. Cai & Liu
2. Chen et al
3. Desai and Dharmapala
4. Hanlon et al
5. Ayers
6. Wang
7. Bushman and Smith
8. Zhang et al
9. Wolk et al
10. Hanlon and Slemrod
11. Balakrishnan et al
12. Frank et al
13. Lambert et al
14. Cai & Liu
15. Chen et al.
16. Desai and Dharmapala
17. Khurans & Moser
18. Atwood et al.
19. Wang
20. Kim et al.
21. Dhaliwal et al
22. Balakrishnan et al.

-
- ²³. Goh et al
 - ²⁴. Guenther et al.
 - ²⁵. Armstrong et al
 - ²⁶. Generalized Least Square